



جلسه سوم استاد حسینی ۱۴۰۲/۱۲/۱۳

اون بحثی که ما وسط کشیدیم در مورد ذهن نوجوانان که در ذهن نوجوانان چه می گذرد؟ صحبتیم در مورد این بود که ما اگر بخوایم نوجوانان رو بفهمیم و با آنها ارتباط بگیریم، اول باید ذهنشان رو بتوانیم بخوانیم یه ذهن خوانی ازشون داشته باشیم. بدانیم تو ذهن اونا چه میگذره و بعدا بتوانیم حالا براشون کار انجام بدیم و باهاشون ارتباط بگیریم، گفت وگو کنیم و وارد دنیای آنها بشیم. اگر خاطرتون باشه در مورد این مطالبی که در ذهن نوجوانان میگذره اومدیم به صورت مختصر یک رمز گفتیم و اگر خاطرتون باشه گفتیم که بهش میگیم (تر عمر) بعد دونه دونه اینا رو گفتیم صحبت میکنیم در موردش اولش گفتیم در مورد تعلق یعنی این که جوانها دوست دارن به یک جایی تعلق داشته باشند. به گروه همسالان تعلق داشته باشند، به یک انجمن تعلق داشته باشند، به یک باشگاه ورزشی تعلق داشته باشند یعنی دوست دارن عضوی از یک گروه باشند عضوی یه جایی باشند و یا حتی این تعلق و دوست داشتن رو باز به خانواده هم می توانیم تعمیم بدیم یعنی اگر نوجوان و جوان به خانواده احساس تعلق داشته باشه در عین استقلال. خاطرتون هست از دوره قبل اونها میگفتیم که استقلال و احساس تعلق دوتا مفهوم هست در نوجوانی که اینا باید به حالت موازنه یا تعادل باشد برای بچهها در عین حال که به ما وابسته هستند و احساس تعلق به ما و به خانواده میکنن آروم آروم مستقل بکنیم پس بنابراین در مورد این کلید واژهات یعنی احساس تعلق یعنی جوانان باید به جای تعلق داشته باشند خب اگر به خانواده احساس تعلق نداشتند اگر با خانواده صمیمی نبودن با پدر و مادر صمیمی نبودن، با دایی و عمو و خاله و اینا صمیمی نبودن بیشتر به گروه همسالان شان وابسته می شوند.

(ز) یعنی احساس زندگی و سرزندگی این است که بعضی از جوانان یک کاری می کنند که بروند تو حالت خلسه مثلاً مواد استفاده می کنند یا می بینید تو این کلوپها یا به هر حال این مهمانهای شبانه که میرن حالا اسمش هم میگن پارتی یه رقصهای عجیب و غریب میکنند که از نظر ما بی معنی هست واقعاً یعنی میگیم یعنی چی این کارها؟ دیدی گاهی بهشان نهیب میزنه میگیم این دیوانه بازیها یعنی چی؟ در اون لحظه اون حسی که به جوان دست میده احساس زندگی و بودن و اینکه من وجود دارم و اینکه خودشون رو حس میکنند دست میده بهشون دقیقاً مثلاً وقتی یک ... مثلاً شما فکر کنید یه بودایی یا کسی که داره عبادت میکنه در اون حالت نیایش چیزی از اطراف خودش احساس نمیکنه و به یک حالت خلسه میره بنابراین جوانان هم گاهی یک کارهایی با خودشون میکنند و رفتارهایی ازشون سر میزند که از نظر ما بی معنی و به قول معروف مسخره است ولی اونا می خواهند زندگی رو احساس کند حالا با اون ترانه خواندن، با اون رقصیدن با اون مثلاً حالت که بعضی وقتها مواد استفاده میکنند و سیگار میکشن میگن می خواهند به فهم زندگی یعنی چی حس احساس کردن زندگی بعد این این یعنی عمق داشتن یعنی جوانان یه چیزی رو می خواهند که براشون معنا و مفهوم داشته باشد. این جمله رو ما خیلی وقتا تو جلسات مان میگیم. میگیم ما سر کلاس بچههایی که درس میپرسیم بعضی وقتا واقعاً از نظر اونا مسخره است مثلاً معلمی که از دانش آموز میپرسه ملخ چند پا داره بعد برمیگرده اون نوجوان به معلم میگه خوش به حالتون آقا دغدغه های شما فقط همینه که ملخ چند پا داره در حالی که جوانان چون دارن دوران حیاتی خودشون رو طی میکنن، می خواهند



بفهمن اصلاً دنیا یعنی چی؟ اصلاً چرا به این دنیا اومدن؟ آخرش که چی؟ آخرش به کجا میرسد؟ پرسش های دهنش پیام غدیر

جوان بسیار عمیق تر از اون چیزی هست که ما احساس میکنیم مثلاً روزمرگی های ما برای ما اهمیت داره و برای اونا اهمیت نداره مثلاً این که ما بهش میگیم چرا اتاقت آنقدر نامرتبه، چرا آنقدر تو شلخته هستی، واقعاً برای اون معنا و مفهوم نداره اون به چیزی رو میخواد دنبال به چیزی است نوجوان که برایش عمق داشته باشد یعنی به چیزی باشه که نزدیکش کنه به هویت یابی. خودش هویت خودش پیدا کنه که الان چه کارست، آخرش چی می شود، آخر میخواد به کجا بره یعنی دنبال عمق هستش و برعکس دوران بچگی یا مثلاً ما وقتی سنی که از ازمون میگذره دیگه اینا برامون حل شده است ولی جوانان دنبال عمق هستند. پس این یعنی برای عمق (م) یعنی مراقبت ببینید جوانان نیاز به به چیزی دارن که ازش مراقبت کنن حالا این چیز بعضی وقت شلوار جین گرونی است که برای آنها می خرید همان شلوار جین گرون اگر دوستش داشته باشه و ازش مراقبت می کنه. گاهی حیوان خانگی باشه، گاهی اون موبایل باشه یا چیزهایی که شاید ما خیلی توجه نکنیم همینه که بچه ها به دلایلی میرن به سمت جنس مخالف، به سمت دختر یا دخترها به سمت پسر یک دلیلش همینه. دنبال به کسی هستند که ازش مراقبت کنن این تو تو ذهنشونه تو وجودشونه در فکر جوان همین میگذره که از به چیزی مراقبت کنند. بعضی وقت ها والدین از مشاور می پرسن که این بچه من اینجوریه و اونجوریه یا این وقتی حیوان خونگی دوست داره به نظر شما بخیریم، نخیریم. شاید خیلی وقت ها لزومی نداشته باشه چون نوجوان آنقدر خودش مثلاً با لپتابش مشغوله با فرض کنید گوشیش مشغوله یا حتی با درس و کتابش هست که نیازی به حیوان خونگی نداره ولی اگر دیدیم نه داره به راه های دیگه میره و به جوری وقتش رو پر میکنه که این شده انگار مادر و مراقب اون گروه حالا یا اون دوست دختر یا فرق نمیکنه دوست پسر برای جایگزین کردن میایم چی کار میکنیم حیوان خونگی میگیم بگیر براش. جایگزین کردن شخص یا چیزی که داره ازش مراقبت میکنه با حیوان خونگی، آسیب هایی که نوجوان از موبایل و از لپتاب میخوره بیشتره. این که در ذهن نوجوانان چی میگذره چون داشتیم راجع به امروز نسل X و Y و Z صحبت میکردیم و رسیدیم به اونجا که به هر حال ما مجبوریم به عنوان پدر و مادر و والدین خودمان را به سطح فرزندمان نزدیک کنیم. همچنین ما به عنوان کسانی که تا حالا فقط از رسانه هایی مانند رادیو و تلویزیون استفاده کرده هستیم و الان در دوره فعلی رسانه تبدیل شده به تبلت و کامپیوتر و موبایل و به هر حال خوبی هایی هم داره که به اینا اضافه می شود. شناخت جوانان و نوجوانان واجبه و خیلی مهمه که بتونیم با اونا تعامل کنیم و اما این که برای مدیریت رسانه در خانواده معمولاً ما با تعارض مواجه میشیم و باعث چالش می شویم خود نیز باعث تنش می شود. واقع بین بودن به این معناست که ما مخاطب رسانه های مختلف را بشناسیم و برای هر گروه مخاطب ببینیم چجوری می شود خطرات، تهدیدها و آسیب ها را پیدا کنیم و نسبت به اون خطرات و آسیب ها بدین باشیم بچه ها بیشتر مخاطب رسانه ها هستند و بعد از اونا که گذشت ما همیم که نسل میانسال هستیم. در مورد آسیب های تلویزیون برای کودکان صحبت کردیم و گفتیم که تلویزیون برای کودکان معمولاً حالت اعتیاد رو داره یعنی میشینن پای تلویزیون و میسیند دهنشون باز میمونه و چشم شان به تلویزیون دوخته شده و تکون نمی خورند. ولی کودکان این دوره تنها به رسانه هایی مانند تلویزیون قانع نیستند و ابزار دیگری مانند موبایل و بازی های رایانه ای را نیز در اختیار دارند. تمرکز سازندگان این ابزارها نیز بیشتر بر روی این گروه سنی است و بیشتر محتواها برای این رده سنی است.

(پایان جلسه سوم استاد حسینی)